

هاینریش بُل

آبروی ازدست رفته‌ی

کاترینا بلوم

یا

خشونت چگونه شکل می‌گیرد و به‌کجایمی انجامد

ترجمه‌ی حسن نقره‌چی



انتشارات نیلوفر

برای گزارشی که در پی می‌آید سه سرچشمه‌ی اصلی و چند منبع فرعی وجود دارد که ابتدا به آن‌ها اشاره می‌شود و دیگر هرگز به آن‌ها ارجاع داده نخواهد شد. سه سرچشمه‌ی اصلی عبارتند از صورت جلسه‌های تحقیقات و بازجویی‌های نیروهای انتظامی، وکیل مدافع دکتر هوبرت بلورنا^۱ و دوست هم‌مدرسه‌ای و هم‌دانشگاهی‌اش دادستان پتر هاخ^۲. چون دکتر بلورنا از روند پیشروی پرونده با این که وقتی فکرش را می‌کرد اصلاً مسئله‌ی بغرنج و غیرعادی نداشت و کاملاً طبیعی پیش می‌رفت، سر در نمی‌آورد و به همین خاطر کلافه و به‌هم‌ریخته بود، دوستش پترهاخ که نمی‌توانست ناراحتی او را ببیند، نتایج تحقیقات و مواردی را که در پرونده درج نشده بود – مسلماً مخفیانه – برای استفاده‌ی رسمی و یا شخصی به او گزارش می‌داد. پس به خاطر چند خطا و قانون‌شکنی مختصر، اما بسیار انسان‌دوستانه که از آقای هاخ سرزده است، نباید بر او خرده گرفت. او حتی درخور بخشیده شدن هم هست.

1. Hubert Blorna

2. Peter Hach

منابع فرعی، چه بزرگ و ارزشمند و چه کم‌ارزش، این‌جا نیازی به توضیح ندارد، زیرا درگیر شدن‌شان و تأثیرگذاری‌شان و دربرگیری‌شان و تلاقی کردن‌شان و اعترافات‌شان از متن گزارش قابل استنباط است.

۲

چون سخن از منابع است، اگر این‌جا و آن‌جا گزارش آبکی و روان می‌شود، عذر تقصیر دارم. کار دیگری از دستم بر نمی‌آمد. با در نظر گرفتن منابع و جریان‌ها نمی‌شود انتظار نوشته‌ای موزون و هارمونیک داشت. شاید تنها امکان موجود سرهم‌بندی باشد. (واژه‌ی بیگانه برای این منظور conduction، konduktion پیشنهاد می‌شود). این مفهوم قاعدتاً برای کسانی آشناست که در کودکی و یا حتی شاید در بزرگی، دور و بر، داخل و لب چاله‌های آب، بازی می‌کردند؛ زیرا آب می‌زدند. چاله‌ها را با کانال به هم وصل می‌کردند. جریان آب را عوض می‌کردند و آن‌قدر تلاش می‌کردند تا تمام آب موجود در چاله‌ها را سرهم کنند و بتوانند آن را احیاناً بسیار قانونمند و مرتب و منظم در سطحی پایین‌تر به مجرای کانال‌های فاضلاب که به دست مأموران دولتی ساخته شده، مرتبط سازند. پس ما هم چیزی غیر از این تنبوشه‌ها و کانال‌های آبکش زیرزمینی پدید نیآورده‌ایم. خاطر جمع باشید، کاملاً قانونمند! اگر روایت گاهی به علت تأثیر اختلاف سطح و هم‌سطح‌سازی جریان‌ی آبکی می‌یابد، به بزرگ‌واری خودتان ببخشید، چرا که بالاخره همیشه به غیر از جریان‌های زیرزمینی، موانع، آب‌بندها و سرهم‌بندی‌های ناموفق، منابعی هم وجود دارند که نمی‌توانند سرهم شوند.

۳

حقایقی که شاید نخست برای یک بار باید ارایه داده شوند، خشونت‌بارند. غروب چهارشنبه دوم فوریه‌ی سال ۱۹۷۴ در شب جشن زنان^۱ خانم جوان بیست‌وهفت ساله‌ای در ساعت هجده و چهل‌وپنج دقیقه خانه‌اش را به قصد شرکت در یک مهمانی خانوادگی ترک می‌کند. او پس از گذشت چهار روز و در پی پشت سر گذاشتن ماجرای غم‌انگیز - واقعاً باید به این‌گونه بیان شود (در این‌جا به اختلاف سطحی اشاره می‌شود که جریان را ممکن می‌سازد) - غروب یکشنبه در حدود همان وقت - دقیق‌تر بگوییم رأس ساعت نوزده و چهار دقیقه - زنگ در خانه‌ی کمی‌سر بلندپایه‌ی اداره‌ی آگاهی، والتر مودینگ^۲ را به صدا درمی‌آورد که او هم در این لحظه خودش را برای شرکت در جشن‌های کارناوال، البته فقط به خاطر انجام وظیفه و نه به لحاظ تمایلات شخصی، به لباس شیوخ عرب درآورده بود. به مودینگ که از کار او یکه خورده بود گزارش می‌دهد: ظهر همان روز حدود ساعت دوازده و پانزده دقیقه در آپارتمان شخصی خود، خبرنگار روزنامه، ورنر توتگس^۳ را با شلیک گلوله به قتل رسانده است و می‌افزاید: بهتر است ترتیبی داده شود تا در خانه‌ی او را بشکنند و ورنر توتگس را از آن‌جا خارج کنند. خود او از ساعت دوازده و پانزده دقیقه تا ساعت نوزده در شهر قدم زده است تا شاید از این عمل خود احساس پشیمانی کند، اما این احساس به وی

۱. شبی از شب‌های کارناوال که به زنان اختصاص دارد و دارای آداب و رسوم خاصی است که از قرن چهاردهم رایج شده است.